

## بیانات در دیدار اعضای ستاد جشنواره بین المللی شعر حوزه - 30 / آذر / 1394

بسم الله الرحمن الرحيم

حوزه ظرفیتهای متعدّد و چندجانبه‌ای دارد؛ مخصوص امروز هم نیست، در گذشته هم همین‌جور بوده. در بین فقهای بزرگ و علمای بزرگ شیعه آن کسانی که شاعر بودند و بعضی‌شان شاعران برجسته‌ای هم بودند، کم نیستند؛ مثل محقق حلّی، مثل پدر علامه و دیگرانی از این قبیل؛ تا زمانهای بعد، مرحوم میرداماد، مرحوم فیاض، حزین لاهیجی و دیگران و دیگران؛ در نجف هم همین‌جور، مرحوم بحرالعلوم. خاطره‌ی بحرالعلوم را عرض بکنیم که جالب است و نشان‌دهنده‌ی روحیه و فضای نجف در دوران بحرالعلوم است؛ یعنی دویست سال پیش. ایشان بعد از مرحوم آقای بهبهانی مرجع شدند؛ یعنی مرحوم بحرالعلوم مثل کاشف‌الغطا مورد قبول بقیه‌ی علمای بزرگ و شاگردان بزرگ مرحوم بهبهانی قرار گرفتند؛ و دیگران همه تسلیم شدند در مقابل ایشان و با طوع و رغبت ایشان را به‌عنوان رئیس انتخاب کردند. مرحوم بحرالعلوم اول ریاستش یک سفر پیاده از نجف حرکت کرد به طرف کربلا. در یکی از منازل اوایل راه خسته شدند و نشستند؛ مرحوم بحرالعلوم گفت من ضعیفم و امشب از اینجا نمیتوانم حرکت کنم. بعضی‌ها گفتند برویم؛ ایشان گفت نه، من میمانم؛ بعد این بیت را خواند:

از ضعف به هر جا که نشستیم وطن شد  
وز گریه به هر سو که گذشتیم چمن شد

[این بیت از] طالب آملی [است]. شعرای عرب همراه ایشان بودند، به نظر من نکته‌ی خیلی جالبش اینجا است؛ اینکه حالا بحرالعلوم یک بیت شعر طالب آملی را بخواند، این خیلی عجیب نیست اما اینکه ایشان در سفر زیارتی کربلا، از نجف تعدادی شاعر با خودش همراه کرده و میبرد، به نظر من مهم است؛ شعرای عرب گفتند که سیدنا! شینوا معنی هذالبیت؟ اینکه شما خواندید، چه بود؟ ایشان برایشان شرح داد، معنا کرد برایشان که اینکه خواندم معنایش این است و گفت حالا شما بسازید، و شعرای عرب شروع کردند [نظیر] این بیت را ساختن. این قضیه را من به نظرم در کتاب مرحوم حرزالدین دیده باشم؛ آنجا نقل میکند که فلان کس این‌جوری گفت، فلان کس این‌جوری گفت، خود بحرالعلوم هم این‌جوری گفت؛ یعنی عالمی مثل بحرالعلوم که از لحاظ فقهی سرآمد است، از لحاظ معنوی [سرآمد است] - میدانید بحرالعلوم از لحاظ معنوی فوق‌العاده است و همان جنبه‌ی معنوی او هم شاید بود که موجب شد همه‌ی فقهای بزرگ که شاگردهای مرحوم بهبهانی بودند، در مقابل ایشان تسلیم شدند - با آن مقامات معنوی، با آن حالت عرفانی، با آن چیزهایی که نقل میکنند از ملاقات ایشان با حضرت و از این چیزها، وقتی که حرکت میکند از نجف برای سفر زیارتی پیاده به کربلا، با خودش شعرا را میبرد. این نشان‌دهنده‌ی اهمّیت حوزه‌ها به مقوله‌ی شعر است. به‌هر حال حوزه‌های علمیه این‌جور بودند. در خود قم مرحوم آقای صدر یک شاعر برجسته‌ای بوده؛ این دویستی که ایشان برای مرحوم آشیک عبدالکریم گفته که روی سنگ قبر مرحوم حاج شیخ نوشته شده و نقر (۱) شده، خیلی دو بیت برجسته و عالی است که دو سه بیت است که ماده تاریخ مرحوم حاج شیخ را هم ایشان در آن گنجانده.

به هر حال شعر یکی از مقولاتی است که حوزه‌های علمیه به آن میپرداختند، به جا هم هست، یعنی هیچ منافاتی با علمیت و با فضل و مانند اینها ندارد؛ شاعر بودن و شاعر خوب بودن نه با فقاقت منافات دارد، نه با فلسفه و فیلسوف بودن منافات دارد، با هیچ یک از این مقولات مهمّی که ما در حوزه‌ها داریم، منافاتی ندارد. مرحوم حاج شیخ محمدحسین اصفهانی غزل میگوید، قصیده میگوید، عربی میگوید، فارسی میگوید، مرحوم سید محمدسعید حبّوبی که از مراجع عرب نجف و معاصر با مرحوم آخوند و مانند اینها بوده؛ ایشان یک دیوان قطور دارد و من دیوان ایشان را دارم. شعرهای عجیبی در آن است؛ شعرهای عاشقانه، غزلیات به شکل عربی، چون عربها غزل را به شکل

فارسی معمول ما ندارند اما انواع گوناگون دیگری از غزلیات اینها دارند. مرحوم سیّد محمد سعید حبّوبی هم فقیه بوده، هم مجاهد بوده، جزو کسانی است که با انگلیس‌ها جنگیده ایشان و هم درعین حال شاعر بوده. امام بزرگوار خودمان هم آخرین نمونه‌ای است که جلوی چشم ما است که ایشان هم آن غزلیات عاشقانه را - که البته معنای عرفانی دارد، اما ظاهر غزلیات این جوری است - دارند. بنابراین شعر مقوله‌ی مهمّی است و خوب است که در حوزه دنبال بشود. یک مایه‌ی تنقّسی است برای آن فضای علمی متراکمی که در حوزه وجود دارد؛ چون فضای علمی در حوزه خیلی متراکم است و با دانشگاه‌ها فرق دارد. کاملاً فضا علمی است؛ مثل یک اتاق در بسته است. و گاهی این رایحه‌ی عطر شعر بلند بشود در این فضا؛ به نظر من چیز مطلوبی است. بحمدالله استعدادهای خوبی هم هستند؛ حالا آقایانی که اینجا تشریف دارند و آن خانم که شعر خواندند، خیلی خوب بود. بعضی‌های دیگر هم من از حوزه می‌شناسم که شعرای خوبی هستند و چون تفکرشان هم تفکر اسلامی منبعث از منابع و مبادی درست دینی است، لذا شعرشان هم میتواند بسیار مفید باشد. این کار، کار بسیار خوبی است منتها قانع نشوید به کم؛ یعنی بروید سراغ سطوح بالاتر.

در نجف شعری که از علما بودند و شاعر بودند که کم هم نیستند، گاهی شعرهایشان در سطح جهانی مطرح میشد. آن شاعر معروف لبنانی ساکن آمریکا، یک شاعر معروفی است که الان اسمش [یادم نیست (۲)] شعر معروفی دارد که اسم شعرش «الطلاسم» است و آن کلمه‌ی ترجیع‌ش - البته ترجیع‌بند به معنای مصطلح ما نیست - «لست ادری» است. این را مرحوم سیّد رضای هندی جواب داده: انا ادری؛ آن شعر پخش شد در دنیای عرب و همه شناختند و دانستند. یعنی شعرای برجسته‌ای بودند علمای نجف. خود مرحوم شاه محمدرضای مظفر که کتاب علمی ایشان در حوزه کتاب درسی است و میخوانند، شاعر است، یک شاعر حسابی است، شاعر خوبی است که با جمع شعرا در نجف مأنوس بودند، مشغول بودند. علی‌ای‌حال شعر چیز خوبی است و حوزه بحمدالله این استعداد را دارد و هرچه هم بیشتر بتوانید تربیت کنید؛ البته به شرطی که وقت درس و بحث را نگیرد؛ یعنی جوری نباشد که آقایان وقتشان بیشتر صرف شعر بشود.  
ان شاءالله که موفق و مؤید باشید.

(۱) کنده کاری

(۲) ایلیا ابوماضی (۱۹۵۷ - ۱۸۸۹ م)